سه‌شنبه ۸ آبان ۱۴۰۳
شماره ۴۲۶۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

گالانت، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی ضمن انتقاد از سیاست‌های نظامی نتانیاهو تلاش کرد از تیم بازنده جدا شود

می‌خواهم زنده بمانم

سیدمهدی طالبی-حانیه قاسمیان
گروه جهان‌شهر

روابط میان بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و یوآو گالانت، وزیر دفاع رژیم اشغالگر قدس به دلیل اختلافات درباره مدیریت جنگ، دچار تنش جدیدی شده است. روابطی که از ابتدای تشکیل کابینه شکرآب بود و در طول یکسال جنگ علیه غزه و لبنان، تشدید شده است. وزیر دفاع کابینه نتانیاهو در پیامی به تعدادی از مقامات سیاسی و امنیتی از جمله نخست‌وزیر، رؤسای ستاد کل ارتش، موساد و شاباک اظهار داشته است که بدون اهداف به‌روزرسانی شده یا به تعبیری «بدون قطب‌نما» به پیش می‌رود. این نخستین بار نیست که اختلاف میان نتانیاهو و وزیر جنگش علنی و رسانه‌ای می‌شود؛ از ابتدای جنگ غزه تاکنون اختلاف نظر این دو بر سر تاکتیک‌ها و اهداف جنگی چندین بار علنی شده تا جایی که حتی چند روز پیش از ترور شهید سیدحسن نصرالله، دبیرکل مقاومت لبنان زمزمه‌های برکناری گالانت از کابینه شنیده می‌شد؛ به نظر می‌رسد اوج‌گیری تنش‌ها همانند واقعه ۷ اکتبر باعث شد این آتش بار دیگر اندکی زیر خاکستر برود اما در دفعه اخیر به سرعت سر از آتش بیرون آورده است. تصمیم برکناری وزیر جنگ کابینه ائتلافی راستگرای نتانیاهو در میانه جنگ، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان خبر از فرسودگی کابینه می‌دهد.

نتانیاهو و گالانت در آستانه رسمی‌کردن طلاق

روزنامه هاآرتص بخش‌هایی از پیام گالانت به مسئولان و نهادهای عالی رژیم را به شکل غیررسمی منتشر کرده است. براساس گزارش این روزنامه در این پیام آمده است که «وضعیت کنونی که بدون قطب‌نمای روشن و بدون به‌روزرسانی اهداف جنگ عمل می‌کنیم به مدیریت نبرد و تصمیمات کابینه آسیب می‌زند. تحولات بزرگ در جنگ به‌ویژه تبادل ضربات مستقیم بین رژیم صهیونیستی و ایران نیاز به برگزاری جلسه‌ای برای به‌روزرسانی اهداف جنگ با نگاهی جامع به عرصه‌های مختلف و ارتباط میان آنها را افزایش داده است.» دفتر نتانیاهو در پاسخ، با صدور بیانیه‌ای پیام گالانت را بسیار عجیب توصیف و تاکید کرده که «تنها یک قطب‌نما وجود دارد و آن اهداف جنگی است که توسط کابینه تعیین شده است.» در بیانیه دفتر نخست‌وزیری آمده است «اهداف به طور مداوم مورد بازنگری قرار می‌گیرند و اخیراً گسترش یافته‌اند.» تلویزیون رژیم گزارش داده که نتانیاهو در روزهای اخیر پیامی به شرکای خود در ائتلاف دولتی از احزاب مذهبی افراطی ارسال کرده است، مبنی بر اینکه برکناری گالانت از سمت وزیر دفاع پس از عملیات علیه ایران محتمل است. در ماه‌های اخیر، رسانه‌های رژیم صهیونیستی اعلام کرده‌اند که نتانیاهو تحت فشار شرکای خود در ائتلاف راست افراطی به برکناری گالانت نزدیک شده و قصد دارد گدعون ساعر، هم‌پیمان سابق و مخالف کنونی خود را جایگزین وی کند. گدعون ساعر، رئیس حزب راست افراطی امید نو در بیانیه‌ای اعلام کرده نخست‌وزیر «پست وزارت دفاع را به او پیشنهاد داده است» اما او در شرایط تشدید درگیری با مقاومت لبنان، این پیشنهاد را رد کرده است. دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی نیز گزارش‌های مربوط به مذاکره با ساعر برای تصدی پست وزارت دفاع را تکذیب کرده و آنها را نادرست خوانده است.

انگیزه‌های نتانیاهو برای اخراج گالانت چیست؟

به گفته عصمت منصور، پژوهشگر امور رژیم صهیونیستی آنچه باعث آشکار شدن این اختلافات و به بن‌بست رسیدن روابط بین این دو نفر شده این است که نتانیاهو به دنبال گسترش ائتلاف خود و تقویت جایگاهش در کنست و در برابر ارتش و سیستم امنیتی است به‌ویژه زمانی که جنگ به پایان رسیده و زمان حسابرسی فرا برسد. اما گالانت در این موضوع او را به چالش کشیده و به نفع سیستم امنیتی عمل کرده است. کارشناسان و پژوهشگران امور رژیم صهیونیستی بر این باورند که گالانت همچنین مانع از تصویب قانون معافیت مذهبی‌ها (حریدی‌ها) از خدمت نظامی می‌شود و با آنها تساهل نمی‌کند، درحالی‌که نتانیاهو برای حفظ ائتلاف دولتی خود نیازمند معافیت مذهبی‌ها از خدمت سربازی است. علاوه بر مسئله حریدی‌ها، اختلافات در موضوعاتی مانند بودجه و اصلاحات قضایی، باعث شده که نتانیاهو از مدت‌ها پیش احساس کند وفاداری گالانت به او مطلق نیست. اخراج گالانت از وزارت دفاع باعث تقویت جایگاه داخلی نتانیاهو در کنست و در ائتلاف می‌شود و او را از باج‌گیری بن‌گویر خلاص کرده و همچنین جایگاهش را در برابر سیستم امنیتی تقویت می‌کند. در همین راستا مأمون ابوعامر، متخصص امور رژیم صهیونیستی و استاد علوم سیاسی در یک مصاحبه تفصیلی به TRT انگلیسی می‌گوید نتانیاهو به دنبال تقویت ائتلاف و به چالش کشیدن مخالفان است و این اقدام برای او یک پیروزی محسوب می‌شود؛ چراکه اولاً «راه را برای حل مسئله خدمت نظامی حریدی‌ها باز می‌کند و سپس به بودجه سال ۲۰۲۵ تمرکز می‌کند.» همچنین صلاح عواوده، روزنامه‌نگار امور رژیم صهیونیستی در سرمقاله‌ای در المدن می‌نویسد: «انتخاب گالانت به عنوان وزیر دفاع از سوی نتانیاهو از ابتدا یک هدف کاملاً سیاسی داشته است؛ نتانیاهو برای جذب رأی بیشتر از جامعه صهیونیست، وقتی که یک ژنرال را به عنوان وزیر دفاع معرفی می‌کند گزینه دیگری جز گالانت نداشت.» عواوده می‌گوید: «با اینکه این دو به لحاظ سیاسی یا ایدئولوژیکی هم‌نظر نیستند اما در زمینه دشمنی با صهیونیست‌های چپ‌گرا و موافقت و حمایت از لایحه اصلاح دستگاه قضایی هم‌نظرند. اما پس از انتخابات اختلافات برسر نحوه تغییرات قانونی و اصلاحات قضایی زمانی آغاز شد که دستگاه امنیتی نیز در کنار دستگاه قضایی و اپوزیسیون ایستاد.» وی می‌گوید: «در آن زمان گالانت با نتانیاهو در این زمینه هماهنگ نشد و مواضع مخالف اتخاذ کرد و در یک کنفرانس مطبوعاتی خواستار توقف اقدامات اصلاحات قضایی شد.» عواوده در ادامه اضافه می‌کند: «پس از بازگشت اعتماد عمومی به نتانیاهو از طریق نسل‌کشی‌هایی که علیه غزه انجام داده بود و در نظرسنجی‌ها دوباره به او امتیاز بیشتری نسبت به دیگران دادند، اکنون بدون گالانت و گانتس نیز قادر به ادامه است و دیگر نیازی به آنها ندارد.»

باج‌دهی به حریدی‌ها

شبکه ۱۱ تلویزیون رژیم اخیراً خبری منتشر کرده که می‌گوید رهبران حریدی (یهودیان مذهبی افراطی) تهدید کرده‌اند که این هفته به دلیل عدم پیشرفت لایحه معافیت سربازی برای حریدی‌ها بحران ائتلافی ایجاد خواهند کرد. احزاب حریدی نیز روز یکشنبه با تعویق در پیشرفت تصویب قانون خدمت سربازی از طریق تحریم نشست کمیته وزارتی برای قانونگذاری اعتراض کردند.
یکی از موارد اختلاف میان گالانت و نتانیاهو اساساً به قانون خدمت سربازی بازمی‌گردد، زیرا نتانیاهو تحت فشار شرکای حریدی خود به دنبال معافیت حریدی‌ها از خدمت نظامی است. در مقابل، گالانت بدون ایجاد توافق گسترده در رژیم صهیونیستی با تصویب این قانون مخالف است و هشدار داده که این موضوع بر ارتش و وحدت جامعه تأثیر می‌گذارد.

تسویه حساب‌ها

دور از سناریوی جنگ منطقه‌ای، یوسی فرتر، تحلیلگر امور حزبی در روزنامه هاآرتص، مقاله‌ای نوشته است که در آن به انگیزه‌های شخصی و سیاسی نتانیاهو برای برکناری گالانت پرداخته است؛ چراکه او را تهدیدی برای خود در حزب لیکود دیده و وی را شخصیتی همکار با دولت آمریکا و به ویژه اردوگاه دموکرات‌ها می‌داند.
صرف‌نظر از رابطه شخصی مبهم بین نخست‌وزیر و وزیر دفاع در زمان جنگ، تحلیل‌گر امور حزبی می‌گوید «دلیل برکناری گالانت شخصی است؛ نتانیاهو می‌خواهد از او انتقام بگیرد و با او تسویه حساب کند؛ چراکه در مارس ۲۰۲۳ به صورت علنی علیه طرح دولت برای انجام اصلاحات در دستگاه قضایی موضع گرفت و همچنین به دلیل مخالفت شدیدش با طرح معافیت حریدی‌ها از خدمت نظامی.»

ارتش خسته، همنوا با واشنگتن

سهیل کیوان، نویسنده و تحلیلگر سیاسی فلسطینی معتقد است آنچه در عرصه داخلی رژیم صهیونیستی می‌گذرد بی‌سابقه بوده و در تاریخ جنگ‌های رژیم صهیونیستی که همیشه متحد بوده‌اند چنین اختلافات داخلی مشاهده نشده است.
کیوان در گفت‌وگوی تفصیلی با الجزیره، این اختلافات را به تنش میان نتانیاهو و گالانت نسبت داده و معتقد است گالانت به دنبال راهبردی سیاسی و نظامی هماهنگ با دولت بایدن است که به توافق تبادل برای بازگشت زندانیان صهیونیستی در غزه و آتش‌بس منجر شود؛ چیزی که دولت راست‌گرای نتانیاهو آن را رد می‌کند. کیوان تاکید کرد که گالانت از زمان آغاز جنگ غزه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ از سیاست‌های سازگار با واشنگتن پیروی و چندین بار اعلام کرده است که از توافق تبادل و توقف نبرد حمایت می‌کند؛ با این دلیل که ارتش رژیم صهیونیستی خسته و تحلیل رفته و آماده یک جنگ چند جبهه‌ای نیست. این تحلیل‌گر همچنین معتقد است که گالانت به این نتیجه رسیده اگر کمک‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا نبود، رژیم صهیونیستی نمی‌توانست بیش از یک سال به نبرد ادامه دهد و از این رو تمایلی به درگیر کردن آمریکا در جنگی منطقه‌ای ندارد که می‌تواند منافع آن را تهدید کند و شاید منجر به فروپاشی برخی رژیم‌های عربی متحد آمریکا و رژیم صهیونیستی شود. او معتقد است که گالانت با وجود اشتراک در افکار و ایدئولوژی جناح راست صهیونیستی انتظار دارد حزب دموکرات همچنان در کاخ سفید بماند و اهمیت زیادی برای آشتی با آمریکا در خاورمیانه قائل است. او همچنین از درگیری در جنگی منطقه‌ای بدون آمادگی ارتش رژیم صهیونیستی و آمریکا اجتناب می‌کند. با برکناری گالانت از کابینه نتانیاهو این کابینه بیش از هر لحظه دیگری در تاریخ رژیم صهیونیستی به راست افراطی متمایل می‌شود. گالانت که خود از هم‌حزبی‌های نتانیاهو در لیکود و از جناح راست رژیم صهیونیستی بود در پروسه باج‌دهی به راست افراطی مذهبی و به‌ویژه شخص بن‌گویر، وزیر امنیت ملی در آستانه حذف قرار گرفته است تا هرصدایی علیه این جنگ بی‌پایان در کابینه نتانیاهو خفه شود.

کابینه بازنده

بن درور یمینی، نویسنده صهیونیستی و از جناح راست، برکناری وزیر دفاع در زمان جنگ را اقدامی جنون‌آمیز توصیف کرده و می‌گوید: «نخست‌وزیر قصد دارد گالانت را برکنار کند، کسی که آخرین فرد در قدرت سیاسی و دولت است و هنوز تا حدودی در رژیم صهیونیستی و متحدانش آبرو دارد.» یمینی در مقاله‌ای در روزنامه یدیعوت آحارونوت به وضعیت سیاسی، اجتماعی و نظامی رژیم صهیونیستی از تاریخ ۷ اکتبر در دو جبهه غزه و شمال پرداخته و نوشته است: «باید اذعان کرد برای اولین بار اکثریت جامعه رژیم صهیونیستی - چه از جناح راست و چه از چپ یا از سکولارها و مذهبی‌ها - توسط اقلیتی که کنترل دولت را به دست گرفته است، پایمال شده‌اند.» او معتقد است تمام تصمیماتی که در دو سال اخیر گرفته شده، رژیم صهیونیستی را به سمت فروپاشی کامل نزدیک کرده است. وی می‌گوید «رژیم صهیونیستی در دوره‌ای از تاریخ خود قرار دارد که بیشترین تحقیر را تجربه می‌کند.» یمینی در ادامه اضافه کرده است که «نتانیاهو در جنوب در جبهه غزه شکست خورد، جایی که موشک‌ها همچنان سقوط می‌کنند و حماس شکست نخورده است، گروگان‌ها کشته می‌شوند و مشخص نیست که چند نفر از آنها زنده هستند؛ همچنین در جبهه شمالی با لبنان، شکست خورده و زمینگیر شده است و در چنین شرایطی به دنبال برکناری وزیر دفاع است.» با این تفاصیل، کارشناسان معتقدند که با حذف گالانت از کابینه، روزنه امید غرب برای آتش بس و تبادل گروگان‌ها تماما بسته خواهد شد. این اقدام ممکن است به نتانیاهو کمک کند بحران سیاسی داخلی را با هم‌پیمانان فوق ارتدکس خود کاهش دهد؛ اما با رفتن گالانت که مهره‌ای مورد تایید غرب به ویژه دولت بایدن بود و در تنش‌های میان نتانیاهو و بایدن نقش میانجی را ایفا می‌کرد اوضاع برای نتانیاهو خصوصا در صورت انتخاب هریس، در سطح بین‌المللی سخت خواهد شد.

نکات

۱. اگر به لحاظ قدرت در درون سرزمین‌های اشغالی، صهیونیست‌ها دست برتر را دارند، در درون این مجموعه، صهیونیست‌های اشکنازی بر سفاردی‌ها چیره‌اند. نماد قدرت اشکنازی‌ها حزب چپ کارگر، لیکود و حزب افول‌کرده کادیما می‌باشند که قدرت را همواره در اختیار داشته‌اند.
در درون ائتلاف‌ها و احزاب دولتی نیز تقسیم‌بندی وزارتخانه‌ها نشان از وزن قدرت سیاسی و حزبی هر طیف و فرد است. به این ترتیب که وزارت جنگ، یکی از وزارتخانه‌های مهم به ویژه در رژیم است؛ جایی که ارتش بر شهرک‌نشینان رژیم تقدم زمانی دارد.
یوآف گالانت یک صهیونیست اشکنازی، عضو حزب راستگرای لیکود و از سمت این حزب وزیر جنگ رژیم است. او متعلق به اصلی‌ترین مراکز و نقاط ثقل رژیم است و مهره‌ای مهم تلقی می‌شود.
از سوی دیگر او به دو دلیل اعتباری مضاعف یافته است؛ نخست آنکه در جریان لایحه تغییرات قضایی جانب نیروهای مسلح را گرفت و دوم آنکه با فشار آمریکا برکناری‌اش توسط نتانیاهو ملغی شد.
۲. گالانت تا حدودی به ابزار آمریکا در درون دولت رژیم تبدیل شده است؛ هرچند رژیم خودسری‌های خود را مستقل از آمریکا همچنان حفظ کرده است. چند ماه پیش از ۷ اکتبر بود که نتانیاهو تصمیم گرفت لایحه تغییرات قضایی را در پارلمان تصویب کند. این طرح باعث تضعیف دستگاه قضایی در برابر دولت می‌شد؛ زیرا اعضای راستگرای رادیکال دولت نتانیاهو عقیده داشتند این دستگاه بخشی از دولت عمیق و پناهگاه چپ‌گرایان رژیم است. به گفته این راستگرایان، چپ‌ها هرچند در صندوق‌های رأی افول کرده‌اند اما همچنان از طریق نهادهایی که در اختیار گرفته‌اند، بیش از وزن سیاسی خود اثرگذاری دارند.
این لایحه به دلیل تمرکز بیش از حد قدرت در دستان قوه اجرایی، رژیم را به سمت دیکتاتوری سوق می‌داد و به همین دلیل مورد مخالفت اقشار سکولار و دموکرات قرار گرفت. این شکاف به ارتش هم رسید و باعث شد گالانت با احساس خطر نسبت به عواقب این بحران، از نتانیاهو درخواست کند لایحه تغییرات قضایی را از دستور کار خارج کند. نتانیاهو در واکنش به این نافرمانی گالانت را از وزارت دفاع برکنار کرد اما با اشاره مستقیم جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا مجبور شد همچنان او را در این مسئولیت حفظ کند.
بر این اساس تقریبا از دو سال قبل ادامه وزارت گالانت نه ناشی از مناسبات سیاسی و حزبی بلکه به دلیل حمایت مستقیم آمریکا بوده است. از سوی دیگر گالانت در این سال‌ها به شدت درگیر روابط دستگاه نظامی شده که ارتباطات وسیعی با واشنگتن دارد. امروزه گالانت نزدیک‌ترین متحد و عامل آمریکا در درون دولت رژیم و کابینه جنگش است.
۳. اخراج گالانت دهن‌کجی به نظامیان رژیم و آمریکا و همچنین برهم زدن اوضاع در درون حزب لیکود است. برداشتن او می‌تواند به وخامت اوضاع منجر شود. البته نتانیاهو نیز بدون زمینه‌سازی دست به اقدامی نمی‌زند.
۴. اگر نهاد سیاسی و سیاستمداران با فشار کاری افزایش یافته و اعتراضات مردمی به دلیل سختی‌های جنگ مواجه‌اند، ارتش خون می‌دهد. به همین دلیل آنان بیشتر از همه هزینه‌های جنگ را می‌دهند.
سیاستمداران به ویژه اعضای دولت نتانیاهو که ادامه جنگ باعث تمدید حضورشان در دولت است، مشکلی با وضعیت کنونی ندارند اما ارتش در هر روز و لحظه کشته داده و یا در معرض خطر آن است.
محل فشار نظامیان به طبقه سیاسی در دولت، رئیس ستاد مشترک و بیشتر از همه وزیر جنگ است. ارتش نزدیک یک هزار کشته و بین ۵ تا ۱۰ هزار زخمی داده است درحالی‌که در میان سیاستمداران هیچ تلفاتی وجود ندارد. تعداد تلفات ارتش تقریبا معادل ۵ درصد استعداد این نهاد پیش از ۷ اکتبر است.
۵. در رژیم طبقه سیاسی به شدت و بیشتر از هر کشور دیگری متأثر از نظامیان سابق است. باید توجه داشت فرماندهان و رده‌های عالی‌رتبه به سطوح بالای سیاسی مثل نمایندگی پارلمان، وزارت و نخست‌وزیری می‌رسند. نتانیاهو اما در دهه‌های اخیر یک استثنا است. او نیز نظامی بوده و در یگان‌های کماندویی عضویت داشته و برادرش نیز کماندویی بود که در یک عملیات مشهور کشته شد اما وی فاقد سابقه فرماندهی در رده‌های بالا است. نتانیاهو و دولتش بیشتر از همه نماینده لابی صهیونیست‌های ساکن در سرزمین‌های اشغالی، در آمریکایند؛ کسانی که به غیر از نتانیاهو، شخصیت معروف دیگرشان نفتالی بنت، هم حزبی و رئیس دفتر سابق نتانیاهو است و مدتی کوتاه نیز به نخست‌وزیری رسید.
هرچند بسیاری از دولت‌ها و مقامات صهیونیست با آمریکا روابط ویژه‌ای داشته‌اند اما لابی خود در این کشور را با واسطه‌گری یهودیان صهیونیست ساکن در آمریکا انجام داده‌اند؛ کسانی که شاید هیچ‌گاه در سرزمین‌های اشغالی زندگی نکرده باشند. نتانیاهو اما نه با واسطه بلکه خود بخشی از این لابی در واشنگتن است. به عبارتی نتانیاهو متفاوت با لابی یهودیان صهیونیست ساکن در آمریکا، نمونه یک صهیونیست «دوطرفه» است؛ صهیونیستی که هم در سرزمین‌های اشغالی و هم در آمریکا دستی بر سیاست دارد. نتانیاهو مدت‌ها در آمریکا زندگی کرده است. در داخل نیز او به جای نظامیان، بر روی راست‌گرایان رادیکال و تندرو حساب باز کرده است. بر همین اساس در دولت نتانیاهو حضور دستگاه نظامی رژیم در سیاست به شدت تضعیف شد. این تضعیف آثاری در فضای سیاسی رژیم داشته است. به نظر می‌رسد یکی از اقدامات برنامه‌ریزان پشت پرده که به احتمال زیاد با همکاری آمریکا برای افزایش تاب‌آوری داخلی صهیونیست‌ها صورت گرفته، تضعیف ارتباطات و تسلط ارتش بر کابینه بوده تا طی یک جنگ سنگین، نظامیان قادر به اعمال فشار مؤثر برای آتش‌بس سریع نباشند.
۶. پیش از ۷ اکتبر بسیاری بر این عقیده بودند که رژیم از عهده جنگ‌های طولانی‌مدت برنمی‌آید و سریع به آتش‌بس رضایت می‌دهد. پس از آنکه جنگ به طول انجامید، عده‌ای اعلام کردند برداشت پیشین اشتباه بوده است.
به نظر می‌رسد جزئیات بیشتری در این رابطه وجود دارد. صهیونیست‌ها پس از جنگ سال ۲۰۰۶ و جنگ‌های چندگانه با غزه دریافتند جنگی بزرگ در آینده پیش روی خود خواهند داشت و بر همین اساس برای آن آماده شدند. ایجاد چند لایه دفاع هوایی به کمک آمریکا یکی از این اقدامات بود. تمهید اندیشیده شده در این راستا به میزانی عظیم بود که باعث تولد و تولید سامانه‌های جدید شد و خود آمریکا نیز مستقیما در منطقه به همراه متحدانش چند لایه پدافند هوایی ایجاد کرد. اقدام دیگر صهیونیست‌ها افزایش تعداد پناهگاه‌ها بود. همه منازل باید پناهگاه می‌ساختند و شهرها، خیابان‌ها و جاده‌ها نیز دارای پناهگاه‌های متعددی شدند. این آمادگی‌ها برای آن ایجاد شدند که رژیم می‌دانست در آینده جنگ هم شدیدتر بوده و هم برایش ابعاد موجودیتی دارد.
خود موضوع موجودیتی بودن جنگ یک عامل مهم در افزایش پایداری صهیونیست‌ها در جنگ است. آن‌ها اگر در جنگ ۲۰۰۶ و نبردها با غزه تن به آتش‌بس دادند، با خطر قریب‌الوقوع موجودیتی مواجه نشدند اما جنگ کنونی متفاوت است.
علاوه بر مسئله ایجاد آمادگی و جنگ موجودیتی، عامل سوم طمع است. صهیونیست‌ها موقعیت کنونی را برای اجرای نقشه‌های خود مناسب می‌دانند. تخریب غزه و تخلیه غزه یا دست‌کم الحاق شمال آن به سرزمین‌های اشغالی، تضعیف گروه‌های مقاومت و ترور رهبران آن به زعم تل‌آویو می‌تواند در صورت موفقیت نهایی وضعیت را برای اجرای کریدور هند-مدیترانه مهیا سازد؛ اتفاقی که واردات و صادرات منطقه را در اختیار تل‌آویو قرار داده و ضمن ادغام آن در کشورهای پیرامونی، جایگاه بالاتری به لحاظ منطقه‌ای و جهانی به آن می‌بخشد.
۷. مشکل رژیم آنجاست که هدفگذاری‌هایش در جنگ، ناکام مانده‌اند؛ جایی ناموفق و جایی دیگر با نتایج معکوس. در غزه صهیونیست‌ها به اهداف خود مانند آزادسازی اسرا، نابودی توان نظامی مقاومت و جایگزینی حکومت حماس نرسیده‌اند. در لبنان مشکل عمیق‌تر است. رژیم برای بازگرداندن شهرک‌نشینان در شمال که تعداد آن‌ها به ۶۰ هزار نفر می‌رسید، جنگ علیه لبنان را آغاز کرد اما بدون آنکه زمینه برای بازگشت آوارگان فراهم شود، فوراً تعداد کسانی که در معرض آوارگی هستند به ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافت. به عبارتی دیگر اگر در غزه آن‌ها تنها به عدم تحقق اهداف دچار شده‌اند، در لبنان با حرکت معکوس روبه‌رو بوده و تعداد آوارگان در آستانه ۵ برابر شدن است. علاوه بر غزه و لبنان، عراق یمن و ایران جبهه‌های فعال دیگرند.

«پیروزی»؛ طرح رؤیایی زلنسکی

رئیس جمهور اوکراین طی روزهای اخیر از طرح موسوم به «پیروزی» باهدف پایان‌دادن به جنگ با روسیه رونمایی کرده است. البته، جزئیات این طرح فاش نشده و صرفاً عنوان این طرح، مورد توجه رسانه‌ها و تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل قرار گرفته است. پیش‌فرض زلنسکی این است که اوکراین طی سه سال اخیر توانسته مقاومت تمام‌عیاری را در مواجهه با روسیه صورت دهد و ازاین‌رو، باید بازیگر پیروز میدان لقب گیرد. با این حال، شرایط جاری در شرق اوکراین (خصوصاً منطقه دونباس) و تسلط راهبردی روس‌ها بر شهرهایی مانند آودیوکا و باخموت، جایی برای تأیید این پیش‌فرض زلنسکی باقی نمی‌گذارد.

زلنسکی اخیراً چه گفت؟

ولودیمیر زلنسکی، طی سخنرانی در پارلمان اوکراین از طرح پایان جنگ با روسیه خود موسوم به «برنامه پیروزی» رونمایی کرد و از متحدانش خواست تا در این برهه حساس اقداماتی عاجل باهدف تقویت کی‌یف انجام دهند تا جنگ با روسیه سال آینده به پایان برسد. این در حالی است که نیروهای روسیه در شرق اوکراین مشغول پیشروی‌اند و زمستان سختی با احتمال قطعی‌های برق در پیش است.
بر اساس اظهارات زلنسکی، این برنامه دارای پنج محور اصلی است و تحقق آن به اقدامات متحدانش از جمله دعوت بی‌قیدوشرط از اوکراین برای پیوستن به ناتو و پشتیبانی تسلیحاتی وابسته است. رئیس جمهوری اوکراین در عوض این اقدامات پیشنهاد کرد که غرب می‌تواند در توسعه منابع و معادن طبیعی اوکراین نقش ایفا کند و نیروهای این کشور می‌توانند تقویت‌کننده ناتو باشند و با برخی نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا جایگزین شوند.

واکنش سرد ناتو به طرح زلنسکی

مقامات آمریکایی از جمله آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه این کشور، بدون آنکه اشاره‌ای به طرح پیروزی زلنسکی و ظرفیت عملیاتی شدن آن کنند، صراحتاً یکی از اصلی‌ترین شروط خواسته شده از سوی رئیس جمهور اوکراین را رد کرده‌اند! بلینکن می‌گوید عضویت فوری اوکراین در پیمان آتلانتیک شمالی و متعاقباً، قرارگرفتن آن در ذیل بند ۵ اساسنامه جمعی آن، امکانپذیر نیست. مقامات آلمانی نیز در قبال درخواست زلنسکی، رویکرد مشابهی اتخاذ کرده و گفته‌اند جای اوکراین در ناتو خواهد بود، اما حداقل نه الان!
بنابراین، پیش‌شرط‌ها و مؤلفه‌های اساسی مطرح شده در طرح صلح زلنسکی، در دو سوی آتلانتیک به چالش کشیده شده و دیگر جایی برای اجرایی شدن آن باقی نگذاشته است. فراتر از آن، رئیس جمهور اوکراین در طرح خود خواستار گسترش دامنه حمایت‌های تسلیحاتی غرب از کی‌یف در جنگ با روسیه شده است.
با این حال اکثریت قریب به اتفاق اعضای ناتو می‌گویند این به معنای ورود مستقیم به جنگ اوکراین و تبدیل نبرد روسیه - اوکراین به نبرد روسیه - ناتو خواهد بود. حتی برخی کشورها مانند مجارستان، اتریش و اسپانیا معتقدند ناتو تا همین نقطه نیز بیش از حد معمول و متعارف، وارد معادله جنگ روسیه - اوکراین شده و خود را در معرض مخاطرات زیادی در زمان حال و آینده قرار داده است. زلنسکی اذعان کرده است برخی از متحدان کی‌یف دیدگاه متفاوتی نسبت به پایان جنگ دارند. او گفت: «ما از شرکا کلمه مذاکره را بارها شنیده‌ایم، اما آنها کمتر حرفی از عدالت زده‌اند. اوکراین آماده دیپلماسی است، اما دیپلماسی صادقانه.»

بسته‌ای که با واقعیات سازگار نیست

مخرج مشترک موضع‌گیری کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی، ازجمله آمریکایی‌ها و ژرمن‌ها در خصوص طرح پیروزی زلنسکی، حکایت از پس‌زده شدن این طرح و مرگ سریع آن است. زلنسکی پیشنهادهای خود را در قالب یک «بسته بازدارندگی استراتژیک غیرهسته‌ای جامع» و یک سلسله ضمائم محرمانه طراحی کرده؛ اما نتیجه و خروجی آن، تصاعد بحران میان روسیه و ناتو و تحمیل هزینه‌های بیشتر به اعضای پیمان آتلانتیک شمالی خواهد بود. به نظر می‌رسد آمریکا، کانادا، ترکیه و ۲۷ عضو اروپایی ناتو بدون آنکه کمترین موضوعیتی برای طرح پیشنهادی زلنسکی قائل شوند، مشغول رصد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و سنجش احتمال پیروزی یا شکست ترامپ در آنند.
درصورتی‌که ترامپ در رأس معادلات اجرایی کاخ سفید قرار گیرد، قطعاً زلنسکی باید به شروطی از جمله صرف‌نظر از حاکمیت اوکراین به کریمه و ارائه تضمین در خصوص عدم پیوستن به پیمان آتلانتیک شمالی تن دهد. در این صورت، اساساً طرح پیروزی زلنسکی تبدیل به یک «طنز سیاسی» خواهد شد! حتی اگر کامالا هریس نیز در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر پیروز شود، قادر به برآورده ساختن پیش‌شرط‌های مطرح شده و مطالبات زلنسکی و اوکراینی‌ها نخواهد بود.
حتی احتمال دارد هریس نیز رایزنی‌های مستقیم با روس‌ها (حتی در قالب دیپلماسی پنهان) را تنها راه ممکن جهت پایان‌دادن به جنگ اوکراین قلمداد کند. به نظر می‌رسد زلنسکی در بن‌بست راهبردی و سیاسی سختی گرفتار شده است که خروج از آن غیرممکن است.